



## فهرست

- مقدمه..... ۹
- پیش فرض های روش شناسانه و راهبردی در تفسیر پدیدارشناسانه ی قرآن ..... ۱۳
- ۱- سوره «مردم»..... ۱۸
- ۲- سوره «روشنایی صبحگاهی» ..... ۲۵
- ۳- سوره «یکی بودن»..... ۳۰
- ۴- سوره «لیف خرما» ..... ۳۳
- ۵- سوره «پوشاننده ها»..... ۳۶
- ۶- سوره «زیادشونده» ..... ۴۰
- ۷- سوره «کمک ها» ..... ۴۲
- ۸- سوره «قریش» ..... ۴۷
- ۹- سوره «پیل» ..... ۴۹
- ۱۰- سوره «عیب جو» ..... ۵۲
- ۱۱- سوره «زمانه» ..... ۵۶
- ۱۲- سوره «زیاده نمایی» ..... ۶۳
- گام اول در خوانش پدیدارشناسانه سوره های مکی..... ۶۶
- ۱۳- سوره «درهم کوبنده»..... ۷۰
- ۱۴- سوره «اسبان تیز تک»..... ۷۴



- ۱۵- سوره «زمین جنبش» ..... ۸۰  
 ۱۶- سوره «اندازه» ..... ۸۴  
 ۱۷- سوره «خون بسته شده» ..... ۸۸  
 ۱۸- سوره «انجیر» ..... ۹۹  
 ۱۹- سوره «گشایش» ..... ۱۰۳  
 ۲۰- سوره «روز روشن» ..... ۱۰۵

**گام دوم خوانش پدیدارشناسی سوره‌های مکی**

- ۱۰۸ .....  
 ۲۱- سوره «شب» ..... ۱۱۱  
 ۲۲- سوره «خُرشید» ..... ۱۱۶  
 ۲۳- سوره «شهر» ..... ۱۳۱  
 ۲۴- سوره «سپیده دم» ..... ۱۳۵  
 ۲۵- سوره «پرده فراگیر» ..... ۱۴۲  
 ۲۶- سوره «بلند مرتبه» ..... ۱۴۷  
 ۲۷- سوره «ستاره شب‌رو» ..... ۱۵۱  
 ۲۸- سوره «برج‌ها» ..... ۱۵۸  
 ۲۹- سوره «شکافته شدن» ..... ۱۶۳  
 ۳۰- سوره «کم‌فروشان» ..... ۱۶۸

**گام سوم خوانش پدیدارشناسی سوره‌های مکی قرآن**

- ۱۷۵ .....  
 ۳۱- سوره «شکافتگی» ..... ۱۸۰  
 ۳۲- سوره «تاریک‌شدگی» ..... ۱۸۵  
 ۳۳- سوره «روی ترش کرد» ..... ۱۹۷  
 ۳۴- سوره «به سختی بیرون آوردگان» ..... ۲۰۴  
 ۳۵- سوره «خبیر» ..... ۲۱۱

**گام چهارم خوانش پدیدارشناسی سوره‌های مکی**

- ۲۲۰ .....  
 ۲۲۴ ..... منزل اول: خوانش پدیدارشناسانه سوره‌های مکی قرآن (جزء سی)

- ضمیمه روش‌شناسی پدیدارشناسانه سوره‌های مکی قرآن ..... ۲۲۷  
 الف) روش‌شناسی پدیداری اثر ..... ۲۲۷  
 ب) متعین‌سازی هرمنوتیکی پیش‌فرض‌های بنیادی خوانش ..... ۲۲۹  
 ج) تحلیل محتوی و جستن مرکزیت‌گفتار-متن‌ها ..... ۲۳۲

• یادداشت‌ها ..... ۲۳۷

• منابع ..... ۲۷۳

مقدمه

خوانش پدیدارشناسانه سوره‌های مکی قرآن، امری است که شاید شرط هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه خواندن و فهم معنای این کتاب مقدس را درجند با برای مخاطبین سوره‌ها فراهم آورد. آنچه اکنون در میان تواناها بحث می‌شود، مطرح نیست، بیشتر روش‌ها بررسی و سوادکار شکل‌گیری متن قرآن در نسبت با پیام است. اما آنچه بعد خوانش حاضر ماست، نکته‌ای است که این نظریه پردازان علی‌رغم جهل و سعی نگذاشته‌اند که برای آن داشته و یا از نظر حیات آنان دور مانده است. برای فهم عمیق متن مقدس لازم است، آن را در کلیتش خواند و فراتر کرد. چنان‌که اکنون پرسش ما این است که آیا ما براساس متن را در کلیت آن می‌خوانیم؟ آیا توانستیم امکان خوانش متن و افاده معنا را برای مخاطب امروزی که با ذهنیتی امروزین می‌اندیشد، فراهم کنیم؟ پاسخ بدیهی نیست. البته خطای این است که سهل‌ترین کار، نگذاشتن خواندن و فهم معنای سوره‌ها است و دشواری کار در گام بعد، همانا تفسیر و تامل آن است.

اینجاست بر آنم که در عموم تفسیر موجود و نیز آنرا توانایی‌های مناصر، گرفتار این سبب هستیم که، قرآن را چونان یک‌پارچه در کلیت و به صورت غیرگنشی نمی‌خوانیم و با افزودن براین نمی‌توانیم به‌خوانیم. گواهی سختم، نبود جنبه‌های تفسیری قرآن و یا کم‌روزی است این حلقه‌ها در میان ماست. آن‌ها که دیگر همچون گذشته تفسیر جدی و مهمی چون پروری از قرآن، تفسیر نوین و التیروالافه نگارش نیامدند و هرچه آمد در تکرار آنها بود.

اکنون در کمتر محلی از تواناها این ممکن است آیه‌ای یا کلماتی قرآنی گفته



